

۱۳۷۰ ه.ش، جز در ماده ۹۸۲، تغییری نکرد. تغییر و اصلاح تعدادی از مواد قانون مدنی در سال ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ ه.ش، نیز تغییر چندانی در شاکله اصلی مسئله تابعیت به وجود نیاورد.

الگوی خونی در تابعیت اصلی ایرانی، پدری است

قوانین ایران الگوی خون را مبنای تابعیت اصلی قرار داده‌اند. ماده ۹۷۶ قانون مدنی تصریح می‌کند، کسانی تابعیت ایرانی دارند که اولاً «پدر آن‌ها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشد»، ثانیاً «کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آن‌ها نامعلوم باشد.» افزون بر این، قانون مدنی ایران تابعیت ایرانی را بر برخی افراد تحمیل کرده‌است، به‌عنوان نمونه زنی که به همسری فردی با تابعیت ایرانی درآید، دارای تابعیت ایرانی است یا کسانی که در ایران از پدر و مادری خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده‌است به وجود آمده‌اند، تابعیت ایرانی دارند. بنابراین، قدر مسلّم آن است که الگوی خون در مبنای تابعیت اصلی ایرانی، کاملاً پدری است. با این وجود راه به دست آوردن تابعیت مادری، برای افرادی که پدر خارجی و مادر ایرانی دارند بسته نیست.

راهی برای تحصیل تابعیت مادری در ایران

در مهرماه سال ۱۳۸۵ ه.ش، قانون «تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» با قید یک فوریت، برای اصلاح و تخصیص بندهایی از ماده ۹۷۶ قانون مدنی، در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. این مصوبه شرط اقامت پنجساله در ایران را برای تقاضای تابعیت کسانی که مادرشان ایرانی است، حذف کرده‌بود. کسانی که به دنبال اخذ تابعیت ایرانی مادر خود بودند و حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون به دنیا می‌آمدند، می‌توانستند پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام، تقاضای تابعیت ایرانی کنند. برای دستیابی به این حق، مادر و پدر فرد می‌بایست بر اساس شرایط ۱۰۶۰ قانون مدنی و با اجازه رسمی دولت ایران، ازدواج کرده‌باشند. ضمن اینکه اتباع خارجی که با زنان ایرانی، تا پیش از تاریخ درج شده در این قانون، ازدواج کرده‌اند، می‌توانند با ارائه مدارک لازم هویتی و اقامتی، از دولت جمهوری اسلامی ایران تقاضای تابعیت ایرانی کنند. تصویب این قانون در حقیقت اتمام حجت با بانوانی بود که قصد ازدواج با اتباع خارجی را داشتند. در حقیقت مصوبه مجلس، یک تخصیص محدود بر ماده ۹۷۶ قانون مدنی بود و هشدار می‌داد که از این پس فرزندان زنان ایرانی که به شکل غیرقانونی با اتباع خارجی ازدواج می‌کنند، باید برای تحصیل تابعیت مادری خود راهی طولانی را طی کنند.

دشواری‌های عدم اعتنا به قانون

بر مبنای قانون مدنی ایران، فرزندانی که بعد از سال ۱۳۸۶ ه.ش، به شکل شرعی و نه قانونی از پدر خارجی و مادر ایرانی متولد شوند، برای تحصیل تابعیت مادری هیچ امتیاز ویژه‌ای نخواهند داشت. بر اساس مدلول ماده ۹۸۳ قانون مدنی، این افراد باید نخست تابعیت کشور پدر خود را به دست بیاورند، سپس با توجه به شرایط ماده ۹۷۹ قانون مدنی، تقاضای تابعیت خود را به دولت جمهوری اسلامی ایران تسلیم کنند، درخواستی که ممکن است از سوی دولت رد شود. ماده ۹۷۹ قانون مدنی، اکتساب تابعیت ایرانی را منوط به تحقق چهار شرط کرده است: رسیدن به سن هجده سال تمام، سکونت پنجساله، اعم از متوالی و متناوب، در ایران، عدم فرار از خدمت نظامی، عدم ارتکاب جنحه مهم یا جرم غیر سیاسی در هیچ کشور دیگری. در ضمن، بر اساس قانون حمایت از خانواده، مصوب سال ۱۳۹۲، از این پس ازدواج اتباع خارجی با زنان ایرانی، بدون کسب اجازه از دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک جرم تعریف شده و برای آن مجازات معین گردیده‌است.

آیا قوانین تابعیت نیازمند بازبینی هستند؟

تابعیت رابطه‌ای همه جانبه میان یک شخص با دولت است. این رابطه، همانطور که اشاره کردیم، حقوق و تکالیف متقابلی ایجاد می‌کند. رعایت اصول امنیتی ایجاب می‌کند که اعطای تابعیت به افراد خارجی، با شرایط ویژه‌ای انجام شود. دولت حق دارد نسبت به رویکرد و هدف شخص برای تحصیل تابعیت ایرانی حساس باشد و دلایل ارائه درخواست تابعیت را مطالبه و بررسی نماید. این موضوع مختص به کشور ما نیست. تمام کشورهای دنیا قوانینی را برای ارزیابی درخواست تابعیت افراد خارجی وضع کرده‌اند و اجرا می‌کنند. بنابراین موضوع سخت‌گیری در اعطای تابعیت به افراد خارجی، مسئله غیرمتعارفی نیست که بتوان بر آن ایرادی وارد کرد. حساسیت مسئله اعطای تابعیت به قدری است که در قوانین ایران، حتی برای کسانی که موفق به تحصیل تابعیت ایرانی هم شده‌باشند نیز محدودیت‌هایی وجود خواهدداشت. ماده ۹۸۲ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴) اشتغال اتباع خارجی، که تابعیت ایرانی تحصیل نموده‌اند، به برخی مشاغل را ممنوع کرده‌است. این مشاغل عبارتند از ریاست جمهوری و معاونان او، عضویت در شورای نگهبان، ریاست قوه قضاییه، وزارت، کفالت وزارت، استانداری، فرمانداری، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، عضویت در شوراهای استان و شهرستان و شهر، استخدام در وزارت امور خارجه، احراز هر نوع پست یا مأموریت سیاسی، قضاوت، عالی‌ترین فرماندهی نظامی و تصدی پست‌های اطلاعاتی و امنیتی. اتخاذ چنین رویکردی برای حفظ امنیت کشور لازم و ضروری است. با این حال به نظر می‌رسد مصوبه مهرماه سال ۱۳۸۵ ه.ش، یعنی قانون «تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» نیازمند ارفاق‌ها و چشم‌پوشی‌های بیشتری است.

مسائلی که باید دیده شوند

بر اساس آمارهای غیررسمی در حال حاضر نزدیک به نهصدهزار نفر در کشور وجود دارند که حاصل ازدواج‌های شرعی و در عین حال غیرقانونی اتباع خارجی (عموماً اتباع کشور افغانستان) با زنان ایرانی هستند. قدر متقن آن است که اکثریت قریب به اتفاق این افراد، به دنبال تحصیل تابعیت مادری‌اند، با وجود آن که قانون تابعیت افغانستان، مصوب تیرماه سال ۱۳۷۹ ه.ش، که در زمان تسلط طالبان تصویب شده و ظاهراً همچنان معتبر است، فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها را تابع این کشور می‌داند، اما این افراد به امید تحصیل تابعیت مادری خود، قید تابعیت پدری زده‌اند. نتیجه این رویکرد ظاهراً اشتباه، فقدان اسناد هویتی فرد و به وجود آمدن نوعی حالت بی‌تابعیتی یا آپدرایدا است.

نکته مهمی که باید در اینجا به آن اشاره کنیم این است که در بین این افراد، اشخاص وجود دارند که به دلیل مفقودالاثر بودن پدرشان (به دلیل مرگ و یا بازگشت به افغانستان)، اصولا قادر به تحصیل تابعیت افغان هم نیستند؛ به نظر می‌رسد قانون باید در مورد این افراد، نرمش بیشتری از خود نشان می‌داد و مصوبه سال ۱۳۸۵، اجازه ارائه درخواست تابعیت کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال را به مادران می‌داد. بدیهی است که قوانین مربوط به تحصیل تابعیت توسط پدران این افراد، ضمن تسهیل روند پذیرش درخواست اقامت این افراد، باید همچنان سخت‌گیرانه و دقیق باقی بماند.

> قوانین ایران الگوی خون را مبنای تابعیت اصلی قرار داده‌اند. کسانی تابعیت ایرانی دارند که اولا «پدر آن‌ها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشد»